

خانمان سوز : ویرانگر

مغولان : اقوامی زرد پوشت با چند طایفه که در قسمت آسیای

شرقی بودند

سایه وحشت : اثر ترس ، نشانه ی بیم و هراس

هراس انگیز : ترسناک ، وحشتناک

قتل عام : کشتار گروهی ، قتل دسته جمعی

آشوب : فتنه ، شور و غوغا

هلاکو : اسم یکی از نوادگان چنگیز خان

قلب مردم را در هم فشرد : به کنایه مردم ایران را ناراحت کرد

دینار : سکه طلا ، پول و ثروت

مشاور : راهنما

زیرکانه : خردمندانه

ایجاد کند : به وجود آورد ، بسازد

عجیبی : شگفت آور

تشتی : ظرف های بزرگ و پهن

مامور کرد : کسی را به انجام کاری گذاشتن

قلعه : ساختمان محکم و بلند برای دفاع از

دشمن ساخته می شد

مهیب : ترسناک

گمان می کردند : تصور می کردند

حادثه ی ناگوار : پیش آمد ناپسند

حوادث : رویدادها ، اتفاق ها

پیش بینی : غیب گویی ، عاقبت اندیشی

امکانات : ابزارها و شرایط مناسب

جذب : چیزی را به سوی خود کشیدن ، کشش

رصدخانه : مکانی که در آن ستاره شناسان

ستارگان را مشاهده و بررسی می کنند

مراغه : نام شهری است

به کار گیرد : استفاده کند

شمار کتاب : تعداد

چیرگی : برتری ، تسلط

نسخه برداری : رونویسی کردن

همت : قصد و اراده

آثار : جمع اثر ، نشانه ها

از میان می رفت : نابود می شد

ولایت : سرزمین

**تدبیر** : اندیشیدن به منظور پیدا کردن راه حل

**تاسیس کردن** : بنا کردن ، پایه پذاری کردن

**اداره می شدند** : مدیریت می شدند

**نظامیه** : مدرسه های تاسیس شده توسط نظام الملک

**تحصیل کرده است** : درس خوانده است

**تحقیق** : مطالعه

**پرفروغ** : پرنور